

روابط سیاسی ایران و اتریش در دوره ناصری (۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق)*

محمد بختیاری^۱ حسین آبادیان^۲

چکیده

مداخلات روسیه و انگلیس در امور داخلی ایران که در نهایت به تقسیم مناطق نفوذ کشور میان آنان و در دست گرفتن شریان‌های اقتصادی کشور در دوره ناصری منتهی شد، انزجار برخی از رجال وطن‌پرست ایرانی را برانگیخت. تقریباً بعد از خاتمه جنگ‌های ایران و روسیه برخی از سیاستمداران قاجاری به منظور برقراری تعادل بین روس و انگلیس، در اندیشه حضور نیروی سومی در ایران برآمدند. تلاش امیرکبیر برای استخدام معلمان اتریشی برای تدریس در مدرسه دارالفنون و بعدها استخدام مستشاران نظامی آن کشور در سفر دوم ناصرالدین شاه به اروپا، در همین راستا قابل بررسی است. پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از منابع دست اول، ضمن بررسی روند تحولات روابط ایران و اتریش در دوره یادشده، دلایل عدم تداوم آن را نیز مورد توجه قرار دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مخالفت دو کشور روس و انگلیس با نفوذ هر کشور ثالثی در ایران، مناسب نبودن شرایط داخلی برای اجرای نقشه‌های معلمان و مستشاران اتریشی و حیاتی نبودن این روابط برای اتریش از جمله مهم‌ترین عواملی بودند که در عدم توسعه و تداوم این روابط نقش اساسی داشتند. واژگان کلیدی: ایران، اتریش، روابط خارجی، دوره ناصری

Iran - Austria Political Relations in the Naserid Period (1847 - 1896)

Mohammad Bakhtiari³

Hossein Abadian⁴

Abstract

Interventions of Russia and Britain in the internal affairs of Iran, which finally led to the division of its influenced zones between these two great powers and their consequent control of its economy in Naserid period, provoked the anger of some patriotic Iranian personages. Approximately after the end of Iran- Russia Wars some Qajarid policymakers for making a balance between UK and Russia, believed that the presence of a Third Force could be a possible solution. To this end, Amir-e Kabir's attempts at employing Austrian teachers at Dar-ol-Fonoun and Austrian military advisors in Nasseraldin Shah's second trip to Europe could be scrutinized. Exploring Foreign Affairs Ministry records and National Library and Archives of Iran next to some firsthand references, the present study aims at describing the process of change in Iran- Austria relations in the Naserid period as well as discussing the reasons for the discontinuity of such relations. The study concludes that Russia and Britain's opposition to the influence of any Third Force in Iran, failure in executing the plans of Austrian teachers and advisors due to the internal situation of Iran and Austria's lack of concern for continuation of Iran-Austria relations, were the major reasons for the breakdown of the relations between the two countries.

Keywords: Iran, Austria, Foreign Relations, the Naserid Period.

۱. دانشجوی دوره دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) * تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۷ تاریخ

پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۲۰

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

3. PhD Student of History, Islamic Period of Iran, Imam Khomeini Int'l University.

4. Associate Professor of History, Department of History, Imam Khomeini Int'l University. Email: hoabadian@yahoo.com

مقدمه

روسیه و انگلیس دو کشوری بودند که در زمان حکومت قاجارها، بیشترین نفوذ و منافع را در ایران داشتند. آنها از ناآگاهی، ضعف و سستی حاکمان قاجاری استفاده نموده و در بسیاری از امور داخلی کشور دخالت می‌کردند و بیشترین امتیازات اقتصادی را نیز از آن خود می‌نمودند. سیاستمداران قاجاری گاه برای مقابله با انگلیسی‌ها به روسیه و بالعکس برای مقابله با روس‌ها به انگلیسی‌ها متوسل می‌شدند. عده‌ای نیز راه حل‌رهایی از چنگ هر دو قدرت استعمارگر را وارد کردن نیروی سومی در ایران جهت کاستن از نفوذ آنها می‌دانستند. از آنجایی که در دوره قاجار کشور اتریش در زمره قدرت‌های بزرگ غربی محسوب می‌شد و برخلاف روسیه و انگلیس، منافع خاص سیاسی و اقتصادی در ایران نداشت، توجه امیرکبیر و ناصرالدین‌شاه را برای استخدام معلم و افسران نظامی و خرید جنگ‌افزار جلب نمود. هر چند قبل از این تاریخ نیز دیگر پادشاهان قاجاری قدرت، پیشرفت و بی‌طرفی اتریش را مورد توجه قرار داده و بر همین اساس، به استخدام مستشار نظامی و خرید اسلحه از این کشور و درخواست اجرای نقش میانجی در اختلاف با انگلیس تأکید کرده بودند، اما سطح روابط هرگز گسترش چشمگیری پیدا نکرد. حتی در دوره ناصری به‌رغم مسافرت‌های پی‌درپی شاه به اتریش و استخدام معلمان، مستشاران نظامی و خرید جنگ‌افزار از این کشور، باز هم سطح این روابط از حد معینی بالاتر نرفت و نتایج مورد نظر برای برقراری تعادل بین نفوذ روس و انگلیس برآورده نشد. در این مقاله علل و عوامل عدم موفقیت اتریش به عنوان نیروی سوم در دوره ناصری مورد بحث قرار می‌گیرد.

پیشینه روابط ایران و اتریش

پیشینه روابط ایران و اتریش به دوره فتحعلی‌شاه می‌رسد. در این دوره عباس میرزا ولیعهد در پی تلاش برای اخذ تمدن و پیشرفت‌های اروپا به‌ویژه در زمینه نظامی، نامه‌ای به پرنس مترنیخ وینبورگ^۵ صدراعظم معروف اتریش نوشت و نمونه‌هایی از آخرین تسلیحات آن کشور را برای استفاده در قشون ایران درخواست نمود. البته از نتایج این تقاضا اطلاعی در دست نیست و به نظر می‌رسد پذیرفته نشده‌است. همچنین در این دوره (۱۲۳۳ق/ ۱۸۱۷م) حاج میرزا ابوالحسن‌خان شیرازی در دومین مأموریت خود به انگلیس، هدایایی هم به سران دول فرانسه، اتریش و عثمانی تقدیم کرد. هدیه امپراتور اتریش چند طاقه شال کشمیر و چند رشته تسبیح مروارید بی‌نظیر بود

که توسط میرزا عبدالحسین خان، خواهرزاده میرزا ابوالحسن خان که مأمور اختصاصی اتریش بود، به امپراتور داده شد.^۶

در زمان حکومت محمدشاه نیز هنگامی که حسین خان آجودانباشی برای شکایت از وضع رفتار نمایندگان انگلیس و تحریکات عمال آن دولت به خصوص جان مکنیل^۷ در مسألهٔ هرات عازم انگلستان بود، برای فردیناند اول امپراتور اتریش و لوئی فیلیپ پادشاه فرانسه نامه و هدایایی به همراه برد. در نامه‌ای به امپراتور اتریش جلب مساعدت و وساطت آن کشور برای رفع اختلافات ایران و انگلیس تقاضا شده بود. اما به‌رغم مذاکرات آجودانباشی با مترنیخ و توقف ۵۰ روزه در آن کشور، نتیجه‌ای حاصل نشد.^۸

استخدام معلمان اتریشی برای دارالفنون

دارالفنون هنوز در دست ساخت بود که امیرکبیر، جان داودخان را در ۱۲۶۶ قمری برای استخدام معلم به اتریش فرستاد. علت تمایل وی به اتریش را می‌توان در چند مورد زیر بررسی و خلاصه کرد:

۱. در ارتباط با مسائل ایران، روسیه و انگلیس بزرگ‌ترین رقیب یکدیگر بودند و استخدام نیرو از هر یک از دو کشور مخالفت دیگری را برمی‌انگیخت. لذا امیرکبیر استخدام معلمان و مستشاران کشور بی‌طرفی همچون اتریش را ترجیح می‌داد.^۹
۲. در دوره‌های سلطنت فتحعلیشاه و محمدشاه قاجار، به ویژه در بحبوحه جنگ‌های ایران و روسیه و بعداً با ورود هیئت‌های مستشاری فرانسوی در دوره محمدشاه، به ظاهر نتیجه قابل قبولی گرفته نشده بود و اینگونه به نظر می‌رسید که فرستادگان مزبور بیشتر به نفع کشورهای متبوع خود حتی در امور داخلی ایران دخالت می‌کردند، مستشاران و معلمان روسی، انگلیسی و حتی فرانسوی قبلاً امتحان خود را پس داده بودند و هیچ نتیجهٔ مثبتی از حضور آنها گرفته نشده بود. چون آنان به جای پرداختن به وظیفهٔ اصلی خود، به نفع کشورهای متبوع خود در امور

۶ میرزا فضل‌الله خاوری شیرازی، *تاریخ ذوالقرنین*، ج ۱، به کوشش ناصر افشارفر (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۴۷۷ - ۴۷۶؛ محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، *تاریخ منتظم ناصری*، ج ۳، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷)، ص ۱۵۳۹ - ۱۵۳۸.

7. John Macneil

۸. محمد تقی سپهر، *ناسخ التواریخ*، ج ۲، به اهتمام جمشید کیانفر (تهران: اساطیر، ۱۳۷۷)، ص ۷۰۱ - ۷۰۰.

۹. قهرمان میرزا سالور عین‌السلطنه، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، ج ۳، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار (تهران: اساطیر،

۱۳۷۴)، ص ۲۶۰۳؛ فریدون آدمیت، *امیرکبیر و ایران* (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲)، ص ۲۹۰.

داخلی ایران دخالت می‌کردند. در حالی که سیاست امیر کبیر آن بود تا «معلمین استخدام شده را حتی‌المقدور از سیاست مملکت برکنار نگاهدارد تا این که آنان یکسره و یک‌دله به کار تدریس و تعلیم خود سرگرم باشند.»^{۱۰} از آن گذشته، روابط ایران با فرانسه در زمان امیر تیره بود و او با فرانسویان میانه خوبی نداشت. شاید مسأله رقابت انگلیس و فرانسه نیز در ذهن امیر بی‌تأثیر نبود و مزید بر عللی شد که نخواست از دولت فرانسه یاری بخواهد.^{۱۱}

۳. روسیه و انگلیس دو همسایه قدرتمند استعمارگری بودند که از ضعف پادشاهان قاجاری استفاده کرده و نبض سیاست و اقتصاد کشور را در دست گرفته بودند. امیر کبیر برای پایان دادن به این اوضاع لازم می‌دانست که با ایجاد ارتباط با دیگر قدرت‌های بزرگ اروپا از جمله پروس و اتریش و استفاده از آنها به عنوان نیروی سومی در برابر روسیه و انگلیس، از قدرت و نفوذ این کشورها در ایران بکاهد.

۴. اتریش در دوره حکومت خاندان هابسبورگ که از زمان صفویه تا جنگ جهانی اول به طول انجامید، و به‌ویژه در نیمه دوم قرن نوزدهم که فرانسوا ژوزف اول^{۱۲} بر آن حکومت می‌کرد، از جمله قدرت‌های مهم اروپا بود، و در فن جنگاوری پیشرفت زیادی کرده بود. بنابراین استخدام مستشار از این کشور در پیشرفت سربازان و دانش‌آموزان ایرانی و برقراری توازن قوا در ایران، می‌توانست مثمر ثمر واقع شود.

بالاخره، مأموریت جان داودخان حدود یک سال و چهار ماه به طول انجامید. طولانی شدن مأموریت وی بدان سبب بود که انجام وظایف دیگری مثل سفارش خرید چند کشتی، کارخانه پارچه‌بافی و استخدام استادان نساجی به او ارجاع شده بود. علاوه بر این، موضوع اعتبارنامه او در تنظیم و امضای قرارنامه استخدام معلمان پیش آمد که از تهران فرستاده شد. از ۹ نفری که قرار بود استخدام کنند، کار ۷ معلم انجام گرفت، مگر دو نفر معدنچی که برای کار کردن در معدن در نظر گرفته شده بودند. جان داود با هر یک قرارنامه‌ای جداگانه در ۱۲ شوال ۱۲۶۷ قمری (۱۰ اوت ۱۸۵۱) امضا کرد. هفت معلمی که از اتریش استخدام شدند از این قرار بودند که نام اصلی و نام تحریف شده آنها در روزنامه وقایع/تفاهیه نقل می‌شود:

۱. کاپیتان گومنز^{۱۳} (کومواس) معلم پیاده‌نظام و فن رزم‌آزمایی

۱۰. یاکوب ادوارد پولاک، سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهانداری (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۸)، ص ۲۰۶.

۱۱. آدمیت، ص ۲۹۰ - ۲۸۹.

12. Francolis Joseph I

13. Gumnoes

۲. نایب اول کرزیز^{۱۴} (اوکشت کی ژیزو) معلم توپخانه
۳. کاپیتان زاتی^{۱۵} (کولو سطلی) معلم مهندسی
۴. نایب اول نمیرو^{۱۶} (نمرو) معلم سواره نظام
۵. دکتر پولاک^{۱۷} (پولاک) معلم طب و جراحی و تشریح
۶. کارنتا^{۱۸} (چارنوطا) معلم معدن شناسی
۷. فکتی^{۱۹} (کوکاتی) معلم علوم طبیعی و داروسازی^{۲۰}

از آن عده گومنز و نمیرو پیش از دیگران به ایران وارد شدند. بقیه نیز در ۲۶ محرم سال ۱۲۶۸ قمری، یعنی یک روز پس از عزل امیر، همراه جان داودخان به ایران آمدند.^{۲۱}

به‌رغم اینکه مدرسه افتتاح شد و معلمان به تدریس پرداختند و در این مدرسه شاگردانی تعلیم و تربیت یافتند، اما نتایج مورد نظر امیر کبیر برآورده نشد. به دلیل رقابت‌های روسیه و انگلیس و ممانعت آنها از نفوذ هرچند مختصر هر کشور ثالثی از یکسو و فقدان برنامه‌ریزی مسئولان امر از سوی دیگر و البته قتل امیر کبیر قبل از ورود هیئت اتریشی به ایران، گروه مزبور نتوانستند موفقیت چندانی در مأموریت خود داشته باشند. به طور مثال دکتر پولاک که از اعضای این هیأت بود و بیشتر از همه آنها در ایران باقی ماند، می‌نویسد: «امیر به درستی پیش‌بینی کرده بود که ما وظایف خود را نمی‌توانستیم نه‌آنطور که او می‌خواست و نه بدان صورت که خود می‌پسندیدیم، انجام دهیم.»^{۲۲} چون اولاً روس‌ها و انگلیسی‌ها هر گونه اقدامی را که باعث افزایش قدرت ایران می‌شد، به زیان خود می‌دیدند. بر همین اساس، انگلیسی‌ها از همان آغاز مخالفت خود را با استخدام معلمان و افسران اتریشی اعلام نمودند و از ایتالیایی‌ها در برابر آنان حمایت کردند، در حالی که هیئت اتریشی حتی یک نفر نماینده سیاسی در ایران نداشتند تا از موقعیت آنان در برابر کارشکنی‌های مخالفان دفاع کند. آنها حتی از حمایت کشور متبوع خود نیز بی‌بهره بودند چون هر کدام به صورت

14. Kreziz
15. Zattie
16. Nemiro
17. Polak
18. Carnotta
19. Faggeti

۲۰. روزنامه وقایع اتفاقیه، ۲۶ محرم ۱۲۶۸، نمره ۴۲.

۲۱. همان.

۲۲. پولاک، ص ۲۰۸.

مستقل قرارداد جداگانه‌ای را با دولت ایران بسته بودند.^{۲۳} جاستین شیل^{۲۴} وزیر مختار انگلیس در ایران در گزارشی به لرد پالمرستون^{۲۵} نخست‌وزیر بریتانیا می‌نویسد: «همین که شنیدم [امیر کبیر] می‌خواهد برای این مدرسه استادان و معلمین آلمانی استخدام کند با او ملاقات نمودم و خاطر نشان کردم که اغلب دولت‌های آلمان تحت نفوذ روسیه هستند و آوردن معلم از آنجا فرقی با استخدام از روسیه ندارد. این مطلب را خاصه در مورد اتریش تأکید نمودم.»^{۲۶}

دوم، شرایط در ایران به گونه‌ای نبود که آموزش افسران اتریشی مؤثر واقع شود. بسیاری از نظامیان ایرانی همچنان به همان اصول رزمی و نظامی سنتی پای‌بند بودند و خود را بی‌نیاز از فراگیری فنون تازه می‌دیدند. علاوه بر این، تشکیلات نظامی نیز فاقد یک سیستم منظم حقوقی - اداری بود که کار را برای افسران اتریشی سخت‌تر می‌کرد. ادوارد پولاک اشاره‌گویی به این موضوع دارد: «[نمیرو] می‌بایست با این عقیده ایرانیان که آنها بهترین سوارکار و جنگاور هستند و در نتیجه به تحصیل در رشته سواری و شمشیربازی نیازی ندارند، مقابله کند. اصولاً چگونه می‌توان سواره‌نظامی منظم ایجاد کرد در صورتی که مزد به صورت نامنظم پرداخت می‌شود و سرباز برای تعریف اسب خود ناگزیر از گرو گذاشتن سلاح و زین و برگ خود است.»^{۲۷}

سوم این که تعدادی از صاحبان قدرت در ایران هر نوع اصلاحاتی را به زیان منافع خود می‌دیدند. کسانی چون میرزا آقاخان نوری که بعد از امیر کبیر ریاست وزرا را بر عهده داشت، با هر پیشرفتی، به خصوص که به دست سلف او شروع شده باشد، سر مخالف داشت.^{۲۸} در نهایت این که، مرگ و انصراف تعدادی از معلمان مزید بر علت شد تا حاصل اقدامات و کوشش‌های آنها بسیار کمتر از آن شود که امیر کبیر و خودشان انتظار داشتند.^{۲۹}

سروان زاتی دو سال پس از ورود به ایران در اثر گاز زغال دچار خفگی شد. چند روز بعد کارنتای معدن‌شناس نیز زندگی را بدرود گفت. گومنز معلم پیاده‌نظام که دو ساله استخدام شده بود، چند ماهی پیش از پایان آن در اوایل ۱۲۶۹ قمری از خدمت استعفا داد و رفت. بقیه نیز در سال‌های ۱۲۷۵ و ۱۲۷۶

23- Encyclopædia Iranica, Army iv a. Qajar Period, p 19. Top of Form

24. Sheil

25. Palmerston

۲۶. آدمیت، ص ۲۹۱. او همچنین دو ماه بعد در ارزشیابی استخدام معلمان نظامی از انگلیس می‌نویسد: «به عقیده من از تدبیر و مصلحت به دور است که ما وسیله فراهم نماییم که دولت ایران صاحب قشون نیرومندی گردد.» همان.

۲۷. پولاک، ۲۱۸.

۲۸. همان، ۲۰۸.

۲۹. جرج ناتانیل کرزن، *ایران و مسئله ایران*، ترجمه علی جواهر کلام (بی‌جا: ابن سینا، ۱۳۴۷)، ص ۲۳۸.

قمری ایران را ترک گفتند. دکتر پولاک نیز که بعد از مرگ دکتر کلوکه^{۳۰} حکیم‌باشی شاه، جانشین او شده بود، پس از نگارش چند کتاب که در چاپخانه دارالفنون منتشر شد، در سال ۱۲۷۷ قمری به اتریش بازگشت.^{۳۱} از این میان تنها کرزیز به انجام کارهای مهم‌تری توفیق یافت. او تلگراف را به ایران وارد کرد و یک خط تلگراف بین شهر و قصر شاه کشید. همچنین، وی نقشه‌ای با جزئیات مناسب از تهران تهیه کرد و با استفاده از مساحی‌های مثلثاتی ارتفاع دماوند و سایر قله را به دست آورد.^{۳۲} دکتر پولاک بعد از بر شمردن موانع و مشکلات پیش‌رو به این جمع‌بندی می‌رسد: «حاصل اقدامات و کوشش‌های ما سخت کمتر از آنچه بود که خود قصد و نیت انجام آن را داشتیم.»^{۳۳}

مسافرت ناصرالدین شاه به اتریش و نتایج آن

ناصرالدین شاه سه بار و مظفرالدین شاه دو بار به اتریش مسافرت کردند.^{۳۴} اولین مسافرت ناصرالدین شاه به اتریش در سال ۱۲۹۰ قمری به دعوت امپراتور اتریش و مجارستان برای بازدید از نمایشگاه بین‌المللی وین صورت گرفت. در این مسافرت ناصرالدین شاه از طرف امپراتور، صدراعظم، ولیعهد، شاهزادگان و دیگر بزرگان اتریش مورد استقبال قرار گرفت. شاه بعد از دو روز که به انجام این دیدارها و شرکت در مهمانی‌ها گذشت، برای تماشای نمایشگاه صنعتی و بازرگانی که در آن صنایع دستی و اشیای نفیس ایران نیز در غرفه‌ای به نمایش گذاشته شده بود، رفت. در اینجا شاه علاوه بر دیدار با ملکه و شاهزادگان اتریشی و حضور در ضیافت شام و شکارگاه پادشاه اتریش و تماشای اپرای وین، از افواج اتریشی سان دید و با بزرگان و سیاستمداران این کشور در مورد خرید اسلحه و استخدام اهل فن دیدار و گفتگو کرد.^{۳۵}

نتیجه مذاکرات ناصرالدین شاه استخدام عده‌ای استاد و اهل فن برای امور پست، ضرابخانه و تلگراف بود. هر چند علیخان امین‌الدوله به دلیل اشتغال به امور پستی و در نتیجه، به خطر افتادن منافعش با ورود هیئت اعزامی اتریشی، نتیجه اقدام‌های آنها را بسیار ناچیز می‌داند،^{۳۶} ولی حقیقت

30. Dr. Cloquet

۳۱. پولاک، ص ۲۱۸؛ عباس اقبال آشتیانی، *میرزا تقی‌خان امیرکبیر*، به کوشش ایرج افشار (تهران: توس، ۱۳۶۳)، ص ۱۶۲.

۳۲. پولاک، ص ۲۱۸.

۳۳. همان، ص ۲۱۸.

۳۴. محمدعلی شاه نیز بعد از اینکه از سلطنت خلع شد و دو سال در الرها (ادسا) عثمانی اقامت گزید، به اتریش رفت.

۳۵. اعتمادالسلطنه، ج ۳، ص ۱۹۴۶ - ۱۹۴۵.

۳۶. میرزا علی‌خان امین‌الدوله، *خاطرات سیاسی میرزا علی‌خان امین‌الدوله*، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، زیر نظر ایرج افشار

(تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰)، ص ۵۱.

این است که اتریشی‌ها در این زمینه‌ها خوش درخشیدند. در حالی که تا سال ۱۲۹۱ قمری امور پستی در ایران صورت مرتبی نداشت و توسط چاپارها که تحت امر اشخاصی به نام چاپارباشی بود، انجام می‌گرفت، در این سال پستخانه نو به مباشرت ریدر^{۳۷} اتریشی و نایب او دایر شد. به دستگیری آنها اقدامات زیادی برای بهبود امور پست انجام گرفت: پست داخلی منظم شد، پست ایران و اروپا به راه افتاد، اولین تمبر پستی در ایران چاپ شد و در سال ۱۲۹۴ قمری ایران به موسسه اتحاد پستی جهانی پیوست.^{۳۸} اما در همین سال دوره خدمت ریدر به سر آمد و با برکناری او پیشرفت کارهای پستی یکچند دچار رکود شد. بعداً استال^{۳۹} روسی به جای او ریاست اداره امور پست ایران را بر عهده گرفت.

دومین دیدار ناصرالدین‌شاه از اتریش در سال ۱۲۹۵ قمری صورت گرفت. این بار نیز پادشاه ایران و همراهانش مورد استقبال گرم امپراتور و دیگر سران حکومت اتریش قرار گرفتند. در همین دیدارها کنت زالوسکی^{۴۰} وزیر مختار جدید اتریش، اعتبارنامه خود را در کاخ سلطنتی به ناصرالدین‌شاه تقدیم کرد که باعث تعجب وی گردید. ناصرالدین‌شاه نیز نریمان‌خان (قوام السلطنه) را به عنوان اولین وزیر مختار ایران در اتریش منصوب کرد.^{۴۱} مهم‌ترین نتیجه و ره‌آورد شاه از این سفر، علاوه بر استحکام روابط دوستانه با آن کشور، «استخدام جمعی صاحب‌منصب و معلم نظامی از اتریش و خریداری مقداری اسلحه و مهمات عسکریه از آنجا بود.»^{۴۲} ناصرالدین‌شاه بعد از اینکه از رژه قشون و مراکز و صنایع نظامی اتریش بازدید کرد، با ارتزی مستشار مخصوص امپراتور و قائم‌مقام وزارت خارجه و کنت بیلاندر وزیر جنگ، در مورد استخدام افسران اتریشی و خرید جنگ‌افزار به تفصیل گفتگو کرد. در هنگام مراجعت به ایران نیز به نظر آقا، وزیر مختار ایران در پاریس مأموریت داد به منظور کمک به نریمان‌خان برای استخدام افسران و خرید جنگ‌افزار، موقتاً چندی در وین بماند.^{۴۳} آن دو تلاش زیادی را در این زمینه انجام دادند و توانستند قراردادهایی را نیز منعقد کنند.^{۴۴} در نتیجه این اقدام‌ها چهل هزار تفنگ و دو میلیون فشنگ خریداری شده از اتریش در دو نوبت

37. Riederer

۳۸. فریدون آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون؛ عصر سپهسالار (تهران: خوارزمی، ۱۳۸۵)، ص ۴۵۵ - ۴۵۳.

39. A. stahl

40. Zaloski

۴۱. ناصرالدین‌شاه قاجار، روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان، به کوشش فاطمه قاضیها (تهران: سازمان اسناد

و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۷۹)، ص ۲۲۱ و ۲۴۳.

۴۲. امین‌الدوله، ص ۵۵.

۴۳. ناصرالدین‌شاه، ص ۲۲۱ و ۲۴۳.

۴۴. نک: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۹۶، ق، کارتن ۱۶، پرونده ۱، ص ۲۸ - ۲۸،۱.

به ایران فرستاده شد. افسران اتریشی نیز بعد از امضای قراردادی که مدت آن سه سال بود و گرفتن هزینه سفر، روانه ایران شده و در محرم ۱۲۹۶ قمری (ژانویه ۱۸۷۹) وارد تهران شدند. برنامه آنها این بود که ستاد ارتش خود را در سلطان‌آباد (اراک) قرار دهند و ابتدا هفت لشکر، هر یک مشتمل بر هشتصد نفر و ششصد نفر توپچی، به عنوان نمونه آماده سازند. سپس به تدریج تمام قشون ایران به همین ترتیب منظم شود. پیشنهاد آنها به قدری مورد تمجید و تحسین ناصرالدین‌شاه قرار گرفت که حقوق شش ماه افسران اتریشی را پیشکش کرد.^{۴۵} اما متوجه نشد که آنها نیز به زودی به سرنوشت هموطنان خود و دیگر معلمان و مستشاران خارجی که قبلاً به ایران آمده بودند، دچار خواهند شد و غیر از یک پیشرفت جزئی در ارتش ایران کاری از پیش نخواهند برد.^{۴۶} علت امر را باید در همان رقابتهای روس و انگلیس و ممانعت ایشان از سرمایه‌گذاری نیروی سوم در ایران ارزیابی کرد و بعلاوه باید از فقدان پایگاه اتریشیها در بین دیوانسالاران و دربار ایران، مخالفت و کارشکنی برخی از واحدهای نظامی قدیمی و اختلاف افسران اتریشی با یکدیگر یاد کرد که موانع مهمی برای گسترش نفوذ ایشان به شمار می‌آمد.^{۴۷}

از دیگر نتایج سفر دوم ناصرالدین‌شاه به اتریش، استخدام کنت مونت‌فورت^{۴۸} برای تأسیس نیروی پلیس بود. مقدمات استخدام کنت در موقع حضور شاه در اتریش فراهم شد و او چند ماه پس از ورود دیگر افسران اتریشی، با در دست داشتن نامه‌ای از کنت گرانویل، مهماندار شاه در اتریش، با خانواده خود به ایران آمد و شروع به تأسیس اداره پلیس نمود.^{۴۹} کنت ابتدا برنامه تشکیلات سازمان پلیس را تهیه کرد و نظام‌نامه‌ای ویژه درباره وظایف پلیس و توضیح انواع جرم‌ها و مجازات‌ها و چگونگی برخورد پلیس با بزهکاران و اخلال‌گران نوشت و تقدیم شاه کرد. شاه پس از امضای نظام‌نامه پلیس، به کامران میرزا نایب‌السلطنه و حاکم تهران دستور اجرای آن را داد.^{۵۰} کنت که علاوه بر ریاست نظمی، اداره امور احتسابیه (شهرداری) پایتخت را هم بر عهده داشت، برای نظم هر یک از محله‌های تهران یک رئیس محله تعیین کرد و چند پلیس در اختیار هر یک

۴۵. کرزن، ۲۳۹؛ اعتمادالسلطنه، ج ۳، ص ۱۹۹۱.

۴۶. عین السلطنه، ص ۲۱۵۰؛ سرپرسی سایکس، *تاریخ ایران*، ج ۲، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی (تهران: افسون،

۱۳۸۰)، ص ۵۳۱.

47- Encyclopædia Iranica, Army iv a. Qajar Period, p 21. Top of Form

48. Conte de Monte Forte

۴۹. عین‌الدوله، ص ۵۵.

۵۰. *پلیس ایران* (تهران: انتشارات روابط عمومی شهربانی کل کشور، ۱۳۵۰)، ص ۵۵.

از آنها قرار داد.^{۵۱} در نتیجه تلاش‌های او پلیس تهران به حدود سیصد نفر رسید و تا حدودی نظم و امنیت برقرار شد.^{۵۲} اداره نظمی به وزارت نظمی تبدیل گردید و کنت لقب «نظم‌الملک» گرفت. اما این موفقیت‌ها مخالفت کسانی را که روش‌های نو اداره شهر تهران را به ضرر خود می‌دانستند، برانگیخت. در نتیجه شروع به کارشکنی و مانع‌تراشی کردند. بزرگ‌ترین مخالف کنت، کامران میرزا بود که از سال ۱۲۹۷ قمری به بعد وزارت جنگ را نیز بر عهده داشت. سربازان او در وظایف پلیس دخالت می‌کردند؛ با آنها درگیر می‌شدند؛ گاه مرتکب دزدی شده، برای پلیس تولید زحمت می‌کردند و به تهدید و تمسخر کنت می‌پرداختند.^{۵۳} کنت نیز پس از این که چندین بار به دخالت سربازها اعتراض کرد و نتیجه نگرفت، استعفا داد.

دلایل ناکامی کنت از نظر شاهدان آن دوره به اشکال گوناگون مطرح شده است. مثلاً امین‌الدوله معتقد بود: «بنیان عمل و اصل اصول محل با مقصود مطابقت نداشت.»^{۵۴} یعنی برنامه کنت بلندپروازانه بود و نظم مورد نظر او با شرایط آن روز و اخلاقیات اجتماعی مردم در انطباق نبود. دیگر ناظران داخلی و خارجی نیز نظر امین‌الدوله را تأیید می‌کنند. به طور مثال فورو کاوا سیاح ژاپنی در این مورد می‌نویسد: «با ملاحظه اصول سیاسی و نظامی ایران می‌توان تصور کرد که پیشرفت سیاسی، ملی و لشگری هنوز به اندازه‌ای نیست که وضع و اجرای مقررات نظامی را امکان دهد.»^{۵۵} واگنر خان،^{۵۶} از افسران اتریشی نیز که تا سال ۱۳۱۶ قمری در ایران بود، با وصف وضعیت آشفته سربازان ایرانی، خود را از آموزش آنها عاجز می‌داند و می‌گوید: «چگونه می‌توان ضامن قشونی بود که صاحب‌منصبان و سربازان مواجب ندیده و ماه‌ها جیره دریافت ننموده باشند و تمام افراد پیاده‌نظام و توپخانه در شهر هزار جا پراکنده، به قراولی و نوکری اشتغال داشته باشند.»^{۵۷} عامل مهم دیگری که تلاش افسران اتریشی را بی‌اثر گذاشت، مخالفت جدی روس‌ها بود.

۵۱. پلیس ایران (تهران: انتشارات روابط عمومی شهرداری کل کشور، ۱۳۵۰)، ص ۷۵.

۵۲. کرزن، ص ۵۷؛ محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، به کوشش ایرج افشار (تهران: اساطیر، ۱۳۶۳)، ص ۱۲۰.

۵۳. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، با مقدمه ایرج افشار (تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵)، ص ۳۳۱؛

ابراهیم صفایی، نامه‌های تاریخی (تهران: بابک، ۱۳۵۵)، ص ۷۲ - ۷۱.

۵۴. امین‌الدوله، ص ۵۶.

۵۵. توبیویشی فورو کاوا، سفرنامه ایران، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینیچی ته‌اورا (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴)،

ص ۱۲۹.

۵۶. واگنر اتریشی از افسران توپخانه بود که در سفر دوم ناصرالدین‌شاه، با عده‌ای افسر دیگر به استخدام دولت ایران درآمد، پس از ورود و اقامت ممتد در ایران کلمه «خان» را هم بر نامش اضافه کردند و تا درجه سرتیپی رسید و بعد به ژنرال واگنر خان مشهور شد.

۵۷. ابراهیم صفایی، اسناد نو یافته (تهران: بابک، ۱۳۴۹)، ص ۲۰۴.

برخلاف زمان امیرکبیر که انگلیسی‌ها بیشتر کارشکنی می‌کردند، این بار روس‌ها به دسته اتریش متعرض شدند و آن را اعلام مخالفت علیه نفوذ خود قلمداد کردند.^{۵۸} دسته‌بندی و مخالفت افسران ایرانی و عمال درباری، تلون مزاج و بی‌ثباتی ناصرالدین‌شاه و نرسیدن پول نیز از دیگر موانع پیشرفت کار افسران اتریشی بود. در نتیجه، گروهی از افسران نیامده راه وطن را در پیش گرفتند و بعضی از آنها هم که در ایران ماندند به عنوان آموزگار در مدرسه دارالفنون به تدریس پرداختند.^{۵۹} آخرین سفر ناصرالدین‌شاه به اتریش بدون نتیجه خاصی صورت گرفت. دکتر فووریه که خود از همراهان ناصرالدین‌شاه در مسافرت اخیر بود، از بی‌میلی امپراتور از حضور شاه در اتریش سخن می‌گوید: «در حقیقت امپراتور یا بر اثر واقعه سوزناک مرگ رودلف ولیعهد اتریش که در ۳۰ ژانویه ۱۸۸۹ اتفاق افتاده بود یا به عللی دیگر میل داشت که شاه ایران هر چه زودتر از وینه [وین] برود و این بی‌میلی را ممکن بود از طرز دست‌دانش که با فشار کمی انجام گرفت، حدس زد.»^{۶۰} با وجود این، رابطه پادشاهان قاجار با فرانسوا ژوزف^{۶۱} صمیمی و دوستانه بود. آنها علاوه بر دیدارهای حضوری، در مناسبت‌های مختلف نامه، هدیه و تلگراف‌های تبریک و تسلیت برای همدیگر می‌فرستادند و بر تحکیم و تداوم روابط فیما بین تأکید می‌کردند.^{۶۲}

استقرار سفارت دائمی

پیش از استقرار سفارت دائمی ایران در اتریش و بالعکس، روابط دو کشور عموماً به سه طریق زیر انجام می‌گرفت:

۱. در مواقع نیاز نماینده‌ای از ایران به اتریش می‌رفت و بعد از انجام مأموریت خود به کشور باز می‌گشت؛ همان‌طور که در مورد مأموریت جان داودخان شرح داده شد. یا این که نماینده اعزامی ایران به یکی از کشورهای اروپایی نظیر انگلیس و فرانسه، در هنگام عبور از اتریش، نامه و هدایای پادشاه ایران را تقدیم می‌کرد و در صورت لزوم به انجام مذاکرات دیپلماتیک

۵۸. میرزا محمد ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴)، ص ۱۰۰ - ۹۹؛ مهدیقلی‌خان هدایت (مخبر السلطنه)، خاطرات و خطرات (تهران: زوار، ۱۳۸۵)، ص ۵۰.

۵۹. کرزن، ص ۲۳۸ - ۲۳۹.

۶۰. ژوان فووریه، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی (تهران: نشر علم، ۱۳۸۵)، ص ۲۳.

۶۱. فرانسوا ژوزف همزمان با شروع سلطنت ناصرالدین‌شاه روی کار آمد و تا مرگش در سال ۱۳۳۵ قمری بر سر قدرت بود.

۶۲. افضل‌الملک، افضل‌التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱)، ص ۱۰.

می‌پرداخت. سفارت دوم میرزا ابوالحسن خان شیرازی و حسین خان آجودانباشی نمونه‌ای از این گونه مأموریت‌ها بود. اتریشی‌ها نیز متقابلاً همین رویه را انجام می‌دادند. مثلاً در سال ۱۲۷۳ قمری «چون ایمپراطور مملکت آستریه [اتریش] در ضمیر داشت که با شاهنشاه ایران طریق وداد و اتحاد سپرد کولونل شندلاکر به اتفاق چند صاحب‌منصب به سفر ایران مأمور داشت و نامه‌ای از مهر و حفاظ نگاره داد، ... [آنها] نامه و تحف خویش را پیش گذرانیدند و ... رفتند.»^{۶۳}

۲. سفیر ایران و اتریش در استانبول و پاریس در مورد روابط فیما بین کشورشان به بحث و مذاکره می‌پرداختند. در سال ۱۲۷۳ قمری فرخ‌خان سفیر ایران و بارون دو هونبر سفیر اتریش در پاریس عهدنامه مؤدت، بازرگانی، قضاوت و کنسولی در یک مقدمه و ۱۴ ماده امضا کردند که بعداً به صحه امپراتور فرانسوا ژوزف و ناصرالدین شاه رسید.^{۶۴}

۳. گاهی اوقات نیز امور مربوط به ایران در اتریش از طریق 'شارژدافر افتخاری' صورت می‌گرفت. بدین صورت که برای چندین کشور خارجی فقط یک سفیر انتخاب می‌شد، وی در یکی از کشورهای مهم اقامت می‌گزید و امور مربوط به سایر کشورها را نیز از طریق شارژدافر یا همان کاردار افتخاری کنترل می‌کرد. مثلاً در سال ۱۲۷۷ قمری حسنعلی‌خان امیرنظام گروسی با سمت وزیر مختاری مأمور دربار کشور فرانسه، انگلیس، اتریش، پروس، بلژیک و سایر دول کوچک اروپا گشت. او مقر خود را در پاریس قرار داد و در سایر ممالک شارژدافر افتخاری برقرار کرد و در سال مکرر به لندن و اتریش مسافرت می‌نمود.^{۶۵}

الف) سفارت اتریش در ایران

در سال ۱۲۸۹ قمری سفارت اتریش در تهران افتتاح شد. کنت دویسکی اولین سفیر مقیم دولت اتریش و مجارستان بود که در اواخر این سال به ایران آمد و از طرف فرانسوا ژوزف امپراتور اتریش و مجارستان، ناصرالدین‌شاه را برای رفتن به آن کشور دعوت کرد.^{۶۶} از این زمان تا سقوط سلطنت قاجاریه، سفارت اتریش به غیر از وقفه‌های کوتاهی که منافع آن کشور توسط انگلیس و نروژ محافظت می‌شد، برقرار بود. نام و مدت زمان حضور وزاری مختار اتریش در ایران تا حدودی

۶۳ سپهر، ج ۳، ص ۱۴۶۶.

۶۴ همان، ج ۳، ص ۱۴۸۵.

۶۵ میرزا مهدی ممتحن‌الدوله، *خاطرات ممتحن‌الدوله*، به کوشش حسین‌قلی خان‌شاقفی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۳)، ص ۹۰.

۶۶ عبدالله مستوفی، *شرح زندگانی من*، ج ۲ (تهران: زوار، ۱۳۵۳)، ص ۱۲۵.

مشخص است.^{۶۷}

هر چند سفارت اتریش یکی از قدیم‌ترین سفارتخانه‌های خارجی بود که در ایران دایر شد ولی وزرای مختار آن کشور در زمان حضور طولانی‌مدت خود در ایران، از نقطه نظر برقراری توازن سیاسی و حضور مؤثر به عنوان نیروی سوم، کار چندانی از پیش نبردند. در این باره کرزن به حق می‌نویسد: «غیر از نمایندگان روس، انگلیس و عثمانی، سایر نمایندگان سیاسی کمترین مشغولیتی در این شهر ندارند. ممکن است از طرف دولت متبوع خودشان به طور محترمانه به این شهر شرقی تبعید شده‌اند تا ضمناً در صدد استراحت و تجدید قوا برآیند.»^{۶۸} تنها مشغولیت سفرای اتریش شرکت در مراسم درباری، جشن‌های تاج‌گذاری، گفتن تبریک در اعیاد و تسلیت در فوت اعضای خاندان سلطنتی و بزرگان کشور، انتقال پیام تبریک و دعوت دولت متبوع خود و البته پیگیری دعاوی اتباع حقیقی و جعلی اتریش بود.

سطح روابط دیپلماتیک و تجاری دو کشور ایران و اتریش چندان تأثیری در اوضاع و احوال به ویژه خنثی ساختن نفوذ روسیه و انگلیس نداشت. در حالی که در اثر مسافرت‌های ناصرالدین شاه به اتریش و ارتباط نزدیک و صمیمی با امپراتور فرانسوا ژوزف و مساعی برخی از بزرگان سیاسی و تجاری، اتریش از لحاظ میزان واردات و صادرات محصولات تجاری به ایران در رتبه پنجم قرار داشت، در آستانه جنگ جهانی اول به رتبه هفتم سقوط کرد.^{۶۹}

ب) سفارت ایران در اتریش

در زمان صدارت امیر کبیر با این که حدود نیم قرن از تأسیس سفارت‌های انگلیس، روسیه و عثمانی در ایران می‌گذشت هنوز دولت ایران در هیچ یک از کشورهای خارجی سفارت مقیم نداشت و این امر باعث زیان‌های فراوان شده بود. به این جهت به دستور امیر کبیر در سال ۱۲۶۷ قمری سه سفارت دائمی ایران در لندن، سن پترزبورگ و استانبول تأسیس شد و این امر مقدمه تأسیس

۶۷. وزرای مختار اتریش در این مدت، به ترتیب سال انتصابشان عبارت بودند از: کنت دوسکی (۱۲۸۹ق) اولین سفیر مقیم اتریش در ایران؛ کنت زالوسکی (۱۲۹۵ق) در مسافرت دوم ناصرالدین شاه به اتریش اعتبارنامه خود را به شاه تقدیم کرد؛ مسیو کوسک یا کوسکی (۱۳۰۰ق)؛ مسیو لبارون تیمل. بعد از کوسک وزیر مختار اتریش شد و در سفر سوم ناصرالدین شاه به اتریش همراه او بود؛ فرانسوا شیسل (۱۳۱۱ق)؛ کنت اپرژزی (۱۳۱۳ق).

۶۸. کرزن، ص ۶۰

۶۹. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۳۲هـ.ق، کارتن ۳۰، پرونده ۱، ص ۶۹

سفارت‌های مقیم در سایر کشورهای خارجی گردید.^{۷۰}

سفارت ایران در اتریش در سفر دوم ناصرالدین‌شاه به اروپا در سال ۱۲۹۵ قمری برقرار شد. در این مسافرت نریمان‌خان به عنوان وزیر مختار ایران در اتریش منصوب شد.^{۷۱} او که در سال ۱۳۰۹ قمری به قوام‌السلطنه ملقب گردید، تا ۱۳۲۱ در سمت خود باقی ماند.

نتیجه‌گیری

اتریش از جمله قدرت‌های بزرگ قرن نوزدهم اروپا بود که توجه پادشاهان و سیاستمداران قاجاری را در یافتن قدرت سوم در برابر روسیه و انگلیس جلب نمود؛ طوری که اولین معلمان دارالفنون از اتریش استخدام شدند و پیاده‌نظام ایران به سبک نظامیان اتریش لباس پوشیده و آموزش دیدند. همچنین، این کشور از نخستین کشورهایایی بود که سفارت دائمی در ایران برقرار کرد و از نظر اقتصادی در ردیف پنجم مبادلات تجاری با ایران قرار گرفت. با وجود این، نتیجه دلخواه و مورد انتظار از روابط دو کشور که عبارت بود از حضور اتریش در ایران به عنوان نیروی سوم؛ حاصل نشد؛ معلمان و مستشاران اتریشی یکی پس از دیگری ایران را ترک کردند، تعلیمات آنها در حد ابتدایی و تعداد کارکنان سفارت هم در حد محدود باقی ماند که آن نیز با رفتن اتریشی‌ها به فراموشی سپرده شد. از نظر رابطه تجاری هم اتریش به رتبه هفتم مبادلات خارجی با ایران و حتی رتبه‌های پایین‌تر سقوط کرد و حتی بعداً سفارت آن کشور در ایران منحل شد و نروژ و انگلیس حافظ منافع دولت آن کشور شدند. مخالفت روسیه و انگلیس با نفوذ هر کشور ثالثی که منافع عظیم اقتصادی و سیاسی آنها را در ایران به خطر می‌انداخت؛ مخالفت و کارشکنی برخی از عمال و صاحبان قدرت مانند میرزا آقاخان نوری و کامران میرزا که اصلاحات مستشاران اتریشی را به زیان خود می‌دیدند؛ فراهم نبودن زمینه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی لازم برای انجام اصلاحات اساسی در ایران و سرانجام شکست اتریش در جنگ جهانی اول از جمله مهم‌ترین عواملی بودند که در عدم پایداری روابط دو کشور و حصول نتایج دلخواه از آن نقش اساسی داشتند.

کتابنامه

آدمیت، فریدون. *امیرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲.

۷۰. علیرضا امینی و حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی، *تحولات سیاسی ایران از قاجاریه تا رضاشاه (۱۳۲۰-۱۱۷۳ ه.ش)* (تهران:

قوس، ۱۳۸۵)، ص ۱۳۹ - ۱۳۸.

۷۱. ناصرالدین شاه قاجار، ص ۲۴۳.

- _____ اندیشه ترقی و حکومت قانون؛ عصر سپهسالار. تهران: خوارزمی، ۱۳۸۵.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. المآثر و الآثار، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر، ۱۳۶۳.
- _____ تاریخ منتظم ناصری. ج ۳. به کوشش محمد اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷.
- _____ روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. با مقدمه ایرج افشار. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵.
- افضل الملک، غلامحسین. افضل التواریخ. به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱.
- اقبال آشتیانی، عباس. میرزا تقی خان امیرکبیر. به کوشش ایرج افشار. تهران: توس، ۱۳۶۳.
- امین الدوله، میرزا علی خان. خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین الدوله. به کوشش حافظ فرمانفرمائیان. زیر نظر ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- امینی، علیرضا و حبیب الله ابوالحسن شیرازی. تحولات سیاسی ایران از قاجاریه تا رضاشاه (۱۳۲۰ - ۱۱۷۳ ه.ش). تهران: قومس، ۱۳۸۵.
- پلیس ایران. تهران: انتشارات روابط عمومی شهرداری کل کشور، ۱۳۵۰.
- پولاک، یاکوب ادوارد. سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی، ۱۳۶۸.
- خاوری شیرازی، میرزا فضل الله. تاریخ ذوالقرنین. به کوشش ناصر افشارفر. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- روزنامه وقایع اتفاقیه، ۲۶ محرم ۱۲۶۸، نمره ۴۲.
- سایکس، سرپرسی. تاریخ ایران. ج ۲. ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی. تهران: افسون، ۱۳۸۰.
- سپهر، محمد تقی. ناسخ التواریخ. ج ۲ و ۳. به اهتمام جمشید کیانفر. تهران: اساطیر، ۱۳۷۷.
- صفایی، ابراهیم. اسناد نو یافته. تهران: بابک، ۱۳۴۹.
- _____ نامه های تاریخی، تهران، بابک، ۱۳۵۵.
- فورو کاوا، توبویوشی. سفرنامه ایران. ترجمه هاشم رجبزاده و کینیچی نه اورا. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴.
- فووریه، ژوان. سه سال در دربار ایران. ترجمه عباس اقبال آشتیانی. تهران: علم، ۱۳۸۵.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور. روزنامه خاطرات عین السلطنه. ج ۳. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.
- کرزن، جرج ناتانیل. ایران و مسئله ایران. ترجمه علی جواهر کلام. تهران: ابن سینا، ۱۳۴۷.
- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۵۱۲۹۶. ق، کارتن ۱۶، پرونده ۱، ص ۲۸ - ۲۸، ۱.
- _____ ۱۳۳۲. ق، کارتن ۳۰، پرونده ۱، ص ۶
- مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من. ج ۲. تهران: زوار، ۱۳۸۴.
- ممتحن الدوله، میرزا مهدی. خاطرات ممتحن الدوله. به کوشش حسین قلی خان شقاقی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۳.
- ناصرالدین شاه قاجار. روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان. به کوشش فاطمه قاضیها. تهران:

سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۹.

ناظم‌الاسلام کرمانی. میرزا محمد. *تاریخ بیداری ایرانیان*. ج ۱. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴.
هدایت، مهدیقلی‌خان (مخبرالسلطنه). *خاطرات و خطرات*. تهران: زوار، ۱۳۸۵.